

نقش هوش موفقیت و همدلی عاطفی در رضایت زناشویی با در نظر گرفتن نقش تعدیل گر سن

سوسن جهان‌دوست دالنجان*^۱ / زهره علاء‌الدینی^۲ / هاجر براتی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۴

تاریخ ارسال: ۹۸/۴/۱۰

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش هوش موفقیت و همدلی عاطفی بر رضایت از زندگی زناشویی با در نظر گرفتن نقش تعدیل گر سن بود که در افراد متأهل ساکن شهر قم در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۷ انجام شد. روش: پژوهش حاضر از نوع همبستگی بوده و تعداد حجم نمونه ۱۶۵ نفر با روش در دسترس انتخاب شده که به پرسشنامه‌های رضایت زناشویی اینریچ (۱۹۸۹)، مقیاس همدلی عاطفی مهرابیان و اپستین (۱۹۷۲) و مقیاس هوش موفقیت گریگورنکو و استرنبرگ (۲۰۰۲) پاسخ دادند. یافته‌ها: نتایج نشان داد که هوش موفقیت با رضایت زناشویی رابطه مثبت و معنادار داشت و از میان ابعاد هوش موفقیت تنها هوش عملی با رضایت زناشویی رابطه مثبت و معنادار داشت. بحث و نتیجه‌گیری: نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد هوش موفقیت قابلیت پیش‌بینی رضایت زناشویی را دارد. همچنین سن در رابطه بین هوش و رضایت نقش تعدیل گر ندارد. به این معنا که هوش موفقیت در هر سنی پیش‌بینی کننده رضایت زناشویی هست.

کلیدواژه‌ها: هوش موفقیت، همدلی عاطفی، رضایت از زندگی، زوجین.

۱- *دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه المهدی مهر اصفهان. Sjahandoost71@gmail.com

۲- استادیار گروه روان‌شناسی و مشاوره دانشگاه المهدی مهر اصفهان. zohrealaedini@yahoo.com

۳- استادیار گروه روان‌شناسی و مشاوره دانشگاه المهدی مهر اصفهان. dr.habarati@gmail.com

مقدمه

ازدواج به عنوان یک رویداد بهنجار در زندگی شخصی تعریف می‌شود که در بزرگسالی اتفاق می‌افتد و به معنی زندگی مشترک دو نفر با خصوصیات و نیازهای متفاوت است (سوینک و گرینپ^۱، ۲۰۱۰). ازدواج یکی از مهم‌ترین تصمیم‌گیری‌ها در زندگی هر فرد است و رضایت‌مندی از ازدواج یکی از اصلی‌ترین عوامل تعیین‌کننده کیفیت زندگی و سلامت روانی است. از این رو متخصصان روانشناسی خانواده غالباً معیار خود را در بررسی کیفیت روابط زوجین، سطح رضایت‌مندی زناشویی آن‌ها قرار داده‌اند. رضایت یک فرد از زندگی زناشویی به منزله‌ی رضایت وی از خانواده و زندگی بوده و منجر به تسهیل امر رشد و تعالی و پیشرفت مادی و معنوی جامعه خواهد شد (عدالتی و ردژوان^۲، ۲۰۱۰). رضایت زناشویی عبارت است از وضعیتی که در آن زن و شوهر در بیشتر مواقع احساس خوشبختی می‌کنند (میرگاین^۳ و کوردوا^۴، ۲۰۰۷) و هر یک ارزیابی مثبتی از روابط زوجی خود دارند (افووی، اوفیلی، اوجتو و اوکاسان، ۲۰۱۳). در تعریفی دیگر، رضایت زناشویی، ارزیابی کلی ذهنی فرد از رابطه زوجی و میزان برآورده شدن نیازها، خواسته‌ها و آرزوها در نظر گرفته می‌شود (لوپو، دلیر^۵، ۲۰۱۴).

با توجه به اهمیت رضایت‌مندی زناشویی، عوامل مختلف فردی، فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی در بروز و ظهور خانواده‌ای پویا و موفق اثرگذار است (یوسفی و عزیزی، ۱۳۹۷). یکی از عوامل فردی که در ایجاد یک خانواده موفق مؤثر است هوش موفقیت^۶ هر یک از زوجین است. هوش موفقیت مجموعه‌ای از توانایی‌های یکپارچه است که برای احراز موفقیت در زندگی ضروری است، باین حال فرد آن را در بافت فرهنگی اجتماعی خودش تعیین می‌کند. افرادی که نقاط قوت خود را تشخیص می‌دهند و از آن‌ها بیشتر استفاده می‌کنند هم‌زمان با اینکه نقاط ضعفشان را تشخیص می‌دهند و روش‌های تصحیح یا جبران آن‌ها را پیدا می‌کنند دارای هوش موفقیت هستند. افراد باهوش موفقیت با استفاده از

1. Sevink, M and Grinp, E
2. Edalati, A and Redzuan, M
3. Mirgain, S. A
4. Cordova, J. V
5. Deleire, L
6. successful intelligence

عادلی از توانایی‌های تحلیلی، خلاق و عملی با محیط‌ها سازگار می‌شوند، آن‌ها را شکل می‌دهند و انتخاب می‌کنند (استرنبرگ^۱، ۲۰۱۰).

نظریه هوش موفقیت یکی از نظریه‌های کارآمد و جامع در حوزه هوش و هوش آزمایی است که از دیدگاه و رویکردهای مختلفی استفاده نموده است و از نظریه‌های نوین محسوب می‌شود (استملر، گریگورنکو، جاروین^۲ و استرنبرگ، ۲۰۰۶). این نظریه بر اصول روان‌سنجی تأکید ندارد و نظریه‌پردازی آن بر اساس دستاوردهای تجربی، مطالعات نظری، پیشرفت‌های روان‌شناسی کامپیوتر و توسعه رویکردهای خبر پردازشی صورت گرفته است (استملر، گریگورنکو، جاروین، شارپس، ۲۰۰۹). استرنبرگ معتقد بود آن چیزی که معرف هوش است، هوشبهر نیست، وی معتقد است ماهیت هوش بسیار پیچیده است و نمی‌توان تمامی ابعاد سازنده هوش را از طریق آزمون مداد کاغذی مشخص ساخت (استرنبرگ، ۲۰۱۵). طبق این نظریه، باهوش بودن چیزی فراتر از درسخوان بودن است و فرد باهوش فردی است که بداند در موقعیت‌های مختلف، چگونه هوش خود را به کار بگیرد (استرنبرگ، ۲۰۰۹). برخلاف تعاریف سنتی از هوش که غالباً بر نقش سازگاری با محیط تأکید شده است، هوش از نظر استرنبرگ؛ صرفاً انطباق با محیط نیست، بلکه شامل تغییر دادن محیط برای تناسب با خود (شکل دادن و گاهی یافتن محیطی جدید برای تحقق یافتن مهارت‌ها یا تمایل‌های فرد نیز می‌شود) (استرنبرگ، ۲۰۰۳). وی به تحلیل و تبیین فرایندهایی می‌پردازد که افراد تکالیف و مسائل ذهنی مختلف را چگونه و با چه مکانیسمی حل می‌کنند، چگونه مهارت‌های مرتبط با تفکر و استدلال را ارتقا می‌دهند و در مواجهه با مسائل مختلف عملکرد بهتری به نمایش می‌گذارند (استرنبرگ، ۲۰۰۷؛ نگهبان سلامی، فرزاد و صرامی، ۱۳۹۲).

گاهی اوقات سازگاری فردی صرفاً منافع و مصالح فردی را تأمین می‌کند و برای جامعه نفعی ندارد؛ بنابراین هوشبهر مهم است، اما ضامن یک جهان بهتر نیست. اینجا همان نقطه‌ای است که می‌توان به اهمیت سازه‌ای مانند هوش موفقیت، اشاره کرد (استرنبرگ، ۲۰۱۸). هوش موفقیت که به منزله‌ی توانایی دست‌یابی به موفقیت در ابعاد مختلف زندگی و در چارچوب ملاک‌های شخصی و در بافت فرهنگی و اجتماعی تعریف می‌شود، شامل

1. Sternberg, R.J
2. Stemler, S.E, Grigorenko, E.L, Jarvin, L

هوش تحلیلی^۱ (تحلیل، ارزیابی و مقایسه، تفکر و حل مسئله)، هوش عملی^۲، (به کارگیری دانش برای حل مشکلات روزمره و هوش اجتماعی) و هوش خلاق^۳، (خلق ایده‌های جدید و کنار آمدن به شیوه‌ای تازه با مشکلات) می‌باشد (باجینسکا و تورنتون^۴، ۲۰۱۷، مندلمن، باربوت و گریگورنکو^۵، ۲۰۱۵). در این زمینه به‌طور مستقیم پژوهشی صورت نگرفته است، اما هم‌راستا با یافته‌های این پژوهش به پژوهش بابایی، مکتبی، بهروزی و آتش‌افروز (۱۳۹۵) با عنوان "تأثیر آموزش هوش موفقیت بر تفکر انتقادی" اشاره می‌شود که به این نتیجه دست یافتند که هوش موفقیت بر تفکر انتقادی که دربرگیرنده فرآیندهای ذهنی، استراتژی‌ها و تصورات افراد است تأثیر دارد. آموزش توانمندی تحلیلی و رشد تفکر انتقادی امکان تجزیه و تحلیل، مقایسه و ارزشیابی را در دانشجویان برای موقعیت‌های مختلف، پرورش می‌دهد و باعث رشد تفکر نقادانه که از ملزومات صلاحیت حرفه‌ای در بسیاری از مشاغل و حتی زندگی اجتماعی است می‌شود (استرنبرگ، ۲۰۰۲)؛ بنابراین به نظر می‌رسد هوش موفقیت عامل مهم و اثرگذاری بر رضایت زناشویی است چراکه مبتنی بر تفکر حل مسئله برای مشکلات و نوآوری جهت ارتقای کیفیت زندگی زناشویی در کلیه ابعاد آن می‌باشد.

عامل دیگری که نیز می‌تواند بر رضایت زناشویی مؤثر باشد، میزان همدلی^۶، زوجین است. همدلی توانایی عاطفی و شناختی حالات روانی (احساسات، افکار و انگیزه‌ها) دیگران و پاسخ‌دهی مناسب به آن‌ها با هیجان‌های مناسب می‌باشد (کانراس، میر و بوشمن^۷، ۲۰۱۸). بر اساس یافته‌های تحقیقات پیشین، یکی از مؤلفه‌های شناخت اجتماعی که تعامل را به مسیر صحیح هدایت می‌کند، همدلی است. همدلی به‌عنوان قابلیت درک دیگران و تجربه احساس‌های آن‌ها (دیستی^۸ و جکسون^۹، ۲۰۰۴) و دادن پاسخ مناسب به آن موقعیت توصیف می‌شود. افراد در یک ارتباط همدلانه می‌توانند عواطف و

1. Analytical intelligence
2. Practical intelligence
3. Creative intelligence
4. Baczynska, A and Thornton, G.C
5. Mandelman, S.D, Barbot, B and Grigorenko, E.L
6. empathy
7. Konrath, S, Meier, B.P, Bushman, B.J
8. Decety, J
9. Jackson, P.L

احساس‌های خود را مدیریت و رفتار خود را با انتظارات افراد جامعه هماهنگ سازند. هم‌چنین افراد دارای همدلی بالا دارای رفتارها جامعه پسند بیشتر و افراد دارای همدلی پایین دارای رفتارهای جامعه‌ستیز بیشتری هستند (دورت، پینتو-گئوویا، کروز^۱، ۲۰۱۶). همدلی دارای دو بعد شناختی و عاطفی است. همدلی شناختی^۲، به معنای درک و فهم احساس دیگری است و همدلی عاطفی به معنای ارتباط عاطفی با دیگران و سهیم شدن در حالات عاطفی آن‌هاست. از این رو به نظر می‌رسد، همدلی عاطفی مستلزم وجود همدلی شناختی است، زیرا در غیاب همدلی شناختی، همدلی عاطفی نیز وجود نخواهد داشت (استوک و لیشنر^۳، ۲۰۱۲). همدلی هم‌چنین توانایی تمایز بین حالت‌های درونی خود و دیگران و واکنش به حالت‌های درونی خود و دیگران به حساب می‌آید (تمووا^۴، دیونس^۵، هنریچ^۶، سیلانی^۷، لام، ۲۰۱۴). بر اساس نظر کاظمی (۱۳۹۶)، درک و همدلی زنان به شیوه‌های مختلف، مانند رفتارهای کلامی و غیرکلامی، درک خواسته‌ها و نیازهای دیگران، تلاش برای درک احساس‌ها و عواطف آن‌ها، باعث می‌شود که احساس خوب بودن و رضایت داشتن زن و شوهر از یکدیگر مهیا گردد.

کریمی وردنجانی (۱۳۹۵) در پژوهش خود بر نقش تعهد زناشویی و همدلی زناشویی در میانجی‌گری بین خانواده‌ی اصلی و رضایت زناشویی تأکید کرد. نتایج پژوهش رضایی (۱۳۹۳)، بیانگر این است که بین همدلی و اعتماد زناشویی با رضایت زناشویی رابطه معناداری وجود دارد و هم‌چنین همدلی و اعتماد زناشویی قادر به پیش‌بینی رضایت زناشویی می‌باشند. نتایج پژوهش نادری، مولوی و نوری (۱۳۹۴)، نشان داد که همدلی و بخشودگی از مؤلفه‌های مؤثر بر رضایت زناشویی هستند. پژوهش کاش و گرینبرگ (۲۰۱۱) نشان داد که آموزش مهارت‌های همدلی بر مشکلات بین شخصی، رفتاری و خودتنظیمی عاطفی مؤثر است، هم‌چنین، آموزش همدلی باعث کاهش بی‌برنامگی و افزایش مردم‌آمیزی، صمیمیت و مسئولیت‌پذیری می‌شود. در بررسی رابطه متغیرهای

1. Duarte, J, Pinto-Gouveia, J, Cruz, B
2. Cognitive empathy
3. Lishner and Stocks
4. Tomova, L
5. Dawans, B
6. Heinrich, M
7. Silani

جمعیت شناختی و رضایت زوجین نتایج مطالعات مدنیان^۱ و شافقی^۲ (۲۰۱۳) نشان داد که سن، تحصیلات و طول مدت ازدواج در سطح رضایت زناشویی تأثیرگذار هستند. با توجه به بررسی پژوهش‌های داخلی و خارجی صورت گرفته در رابطه با رضایت زناشویی به نقش و اثرگذاری عوامل مختلف از جمله باورهای مذهبی، همدلی عاطفی، سازگاری، تاب‌آوری، سبک‌های دلبستگی، هوش هیجانی و غیره اشاره شده است اما در رابطه با نقش هوش موفقیت در رضایت زناشویی پژوهشی یافت نشد و تنها برخی پژوهش‌ها در رابطه با هوش هیجانی مشاهده شد. در این میان، با توجه به نتایج پژوهش‌های بالا و تأثیر هوش هیجانی و همدلی عاطفی در رضایت زناشویی خلأ پژوهشی در رابطه با بررسی نقش متغیر هوش موفقیت و همدلی عاطفی در رضایت زناشویی مشاهده می‌گردد؛ بنابراین، هدف این پژوهش بررسی تأثیر جنبه‌ی دیگری از هوش، یعنی هوش موفقیت و همچنین همدلی عاطفی بر رضایت زناشویی بوده است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی می‌باشد. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شد. جامعه آماری پژوهش کلیه افراد متأهل ساکن شهر قم در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۷ بودند. از آنجا که در تحقیقات همبستگی به ازای هر متغیر به‌طور میانگین ۱۵ نفر نمونه لازم است (گال، گال و بورگ، ۲۰۰۷) و در این تحقیق ۱۰ متغیر (هوش موفقیت و سه مؤلفه آن، رضایت زناشویی و چهار مؤلفه آن و همدلی عاطفی) بررسی شده است لذا حداقل ۱۵۰ نفر نمونه لازم بود که با در نظر گرفتن احتمال افت، ۲۰۰ نفر در نظر گرفته شد. به‌منظور انتخاب نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، ابتدا شهر قم به پنج بخش اصلی (شمال، جنوب، شرق، غرب، مرکز) تقسیم شد و در میدان‌های اصلی هر بخش از افرادی که حاضر به همکاری بودند خواسته شد به پرسشنامه پاسخ دهند. در نهایت با در نظر گرفتن ملاک‌های ورود و خروج داده‌های ۱۶۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ملاک‌های ورود عبارت بودند از تمایل به همکاری، متأهل بودن و عدم استفاده از دارو یا

1. Madaniana, L

2. Shafeq, S.M

روان‌درمانی در زمان پژوهش. ملاک‌های خروج عبارت بودند از کسب نمره کمتر از ۶۰ در پرسشنامه رضایت زناشویی و عدم تکمیل پرسشنامه‌ها به‌طور کامل.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ^۱ (فرم کوتاه): برای بررسی میزان رضایت زناشویی، پرسشنامه اینریچ که توسط فورز و اولسون در سال (۱۹۸۹) طراحی شده، انتخاب شد. این پرسشنامه به‌عنوان یک ابزار تحقیق معتبر در تحقیقات و کارهای بالینی متعددی مورد استفاده قرار گرفته است و شامل ۴ خرده مقیاس و ۳۵ ماده می‌باشد. ضریب آلفای پرسشنامه برای خرده مقیاس‌های رضایت زناشویی، ارتباط، حل تعارض و تحریف آرمانی به ترتیب از این قرار است: ۰/۸۶، ۰/۸۰، ۰/۸۴، ۰/۸۳ و اعتبار بازآزمایی پرسشنامه برای هر خرده مقیاس به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۱، ۰/۹۰، ۰/۹۲ بوده است و ضریب آلفای پرسشنامه در پژوهش آسوده (۱۳۸۹) با تعداد ۳۶۵ زوج به ترتیب برابر با ۰/۶۸ (با حذف سؤال ۲۴ آلفا ۰/۷۸ می‌شود (۰/۷۸، ۰/۶۲، ۰/۷۷) به دست آمد (ثنایی، علاقبند، فلاحتی و هومن، ۱۳۸۷). ضریب آلفای پرسشنامه در پژوهش حاضر برای رضایت زناشویی کل ۰/۹۱ و برای خرده مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۷۹، ۰/۶۷، ۰/۸۲ است.

مقیاس همدلی عاطفی^۲: این ابزار که مهربان و اپستین (۱۹۷۲) آن را طراحی نمودند یک مقیاس ۳۳ گویه ای است که پاسخ‌های عاطفی فرد به واکنش‌های عاطفی دیگران را در طیف ۹ درجه‌ای لیکرت می‌سنجد. ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس، در نمونه‌ای متشکل از ۹۲۴ نفر بررسی شد و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد که نشانه همسانی درونی خوب آن است. به‌منظور بررسی روایی سازه این مقیاس، از تحلیل عاملی اکتشافی با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی استفاده شد که توانست ۰/۶۷ از واریانس کل را تبیین کند. روایی همگرا و افتراقی آن از طریق اجرای هم‌زمان سیاهه سلامت روانی و فهرست عواطف مثبت و منفی محاسبه شد. نتایج ضرایب همبستگی پیرسون نشان داد که نمره آزمودنی‌ها در مقیاس همدلی عاطفی با بهزیستی روان‌شناختی و عواطف مثبت همبستگی مثبت و با درماندگی روان‌شناختی و عواطف منفی

1. Enriching and Nuturing Relationship Issues, communication and happiness
2. Emotional Empathy Scale

همبستگی منفی دارد. این نتایج روایی همگرا و افتراقی مقیاس همدلی عاطفی را تأیید می‌نماید (بشارت، خدابخش، فراهانی و رضازاده، ۱۳۹۰). ضریب آلفای این مقیاس در پژوهش حاضر ۰/۷۴ است.

پرسشنامه هوش موفقیت: این پرسشنامه توسط گریگورنکو و استرنبرگ (۲۰۰۲) طراحی شده است و شامل ۳۶ سؤال است که سه بعد هوش تحلیلی (شامل سؤال‌های ۱ تا ۱۲)، هوش خلاق (سؤال‌های ۱۳ تا ۲۴) و هوش عملی (سؤال‌های ۲۵ تا ۳۶) را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. آن‌ها پایایی این زیرمقیاس‌ها را به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۶۸، ۰/۷۱ و پایایی کل مقیاس را ۰/۷۴ گزارش کرده‌اند. در پژوهش استرنبرگ (۲۰۱۰) ضرایب پایایی برای این پرسشنامه در دامنه‌ای از ۰/۷۳ تا ۰/۸۴ گزارش شده است. چان (۲۰۰۸) همسانی درونی این پرسشنامه را بالاتر از ۰/۸۶ گزارش کرده است. شاخص‌های روان‌سنجی آن در ایران نیز توسط نگهبان سلامی، فرزاد و صرامی (۱۳۹۲) مورد تأیید قرار گرفته است. ضریب آلفای پرسشنامه در این پژوهش ۰/۸۷ و برای زیرمقیاس‌ها به ترتیب ۰/۵۴، ۰/۸۶، ۰/۸۳ است.

یافته‌ها

بر اساس اطلاعات حاصل از پژوهش، مردها ۲۰/۴ درصد و زن‌ها ۷۰/۱ درصد از گروه نمونه پژوهش حاضر را تشکیل داده‌اند. میانگین سن افراد گروه نمونه ۳۳ سال با انحراف استاندارد ۸/۹۰ است. کمترین سن ۲۰ سال و بیشترین آن ۶۲ سال می‌باشد. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

عنوان	متغیر	میانگین	انحراف معیار
رضایت زناشویی	رضایت	۳۶/۱۶	۶/۴۵
	ارتباطات	۳۴/۳۹	۶/۸۹
	حل تعارض	۳۱/۵۳	۵/۶۸
	تحریف آرمانی	۱۷/۸۱	۴/۲۱
	رضایت کلی	۱۱۹/۹۱	۱۹/۹۵
همدلی عاطفی	همدلی عاطفی	۲۰۸/۷۲	۲۳/۵۱
هوش موفقیت	هوش موفق	۱۲۶/۱۰	۱۹/۳۰
	هوش تحلیلی	۴۳/۵۴	۷/۳۸
	هوش خلاق	۳۶/۳۰	۸/۰۱
	هوش عملی	۴۳/۰۵	۷/۳۰

در تحلیل استنباطی داده‌ها به منظور استفاده از تحلیل رگرسیون ابتدا لازم است پیش فرض‌های لازم بررسی شوند که عبارت‌اند از: نرمال بودن توزیع متغیر ملاک، وجود رابطه خطی بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک، استقلال خطاها، عدم وجود هم‌خطی بین متغیرهای پیش‌بین. بر اساس آزمون‌های شاپیرو-ویلک و کولموگروف-اسمیرنوف توزیع متغیر ملاک (رضایت زناشویی) نرمال بود ($sig.>0.05$). به منظور بررسی وجود رابطه خطی بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک ماتریکس همبستگی بین متغیرها در جدول ۲ ارائه شده است. استقلال خطاها و هم‌خطی توسط دووبین-واتسون، Tolerance و VIF بررسی شده و نتایج در جدول ۳ آمده است.

جدول ۲: ماتریکس همبستگی بین متغیرهای پژوهش و زیرمقیاس‌های آن

رضایت زناشویی	زیرمقیاس رضایت	زیرمقیاس ارتباطات	زیرمقیاس حل تعارض	زیرمقیاس تحریف آرمانی	همدلی عاطفی
۰/۰۶	۰/۱۵*	۰/۰۵	۰/۰۳	۰/۰۴	۱
۰/۱۸*	۰/۱۴	۰/۱۱	۰/۲۴**	۰/۱۲	۰/۲۰**
۰/۰۶	۰/۱۲	۰/۱۱	۰/۱۰	۰/۱۳	۰/۲۶**
۰/۰۹	۰/۱۴	۰/۱۳	۰/۱۲	۰/۱۱	۰/۱۴
۰/۲۱**	۰/۱۲	۰/۱۰	۰/۳۲**	۰/۱۱	۰/۱۹*

همانطور که جدول ۲ نشان می‌دهد رضایت زناشویی با هوش موفقیت رابطه مثبت و معنادار دارد. به این معنا که با افزایش میزان هوش موفقیت میزان رضایت زناشویی افزایش می‌یابد. همچنین بررسی مؤلفه‌های هوش موفقیت نشان می‌دهد که تنها مؤلفه هوش عملی با رضایت زناشویی رابطه دارد، یعنی با افزایش میزان هوش عملی در زوجین میزان رضایت زناشویی در آن‌ها افزایش می‌یابد. اگرچه همدلی عاطفی با نمره کلی رضایت زناشویی رابطه نشان نداده است اما با زیرمقیاس رضایت همبستگی مثبت و معنادار دارد. به منظور پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس هوش موفقیت و همدلی عاطفی از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد. نتایج در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام هوش موفقیت و همدلی عاطفی جهت پیش‌بینی رضایت زناشویی

متغیر	R	R ²	B	خطای استاندارد	Beta	t	سطح معناداری	دورین-واتسون	VIF Tolerance
هوش موفقیت	۰/۱۸	۰/۰۳	۰/۱۸	۰/۰۸	۰/۱۸	۲/۳۱	۰/۰۲	۱/۶۴	۱

همانطور که جدول ۳ نشان می‌دهد تنها در یک گام متغیر هوش موفقیت وارد معادله شده است. این متغیر به اندازه ۳ درصد از تغییرات رضایت زناشویی را تبیین می‌کند. ضریب دورین-واتسون ۱/۶۴ حاکی از برقراری پیش‌فرض استقلال خطاها (دامنه قابل قبول ۲/۵-۱/۵) و مقدار Tolerance و VIF برابر با یک، حاکی از برقراری پیش‌فرض عدم هم خطی متغیرهای پیش‌بین است. در ادامه جهت بررسی نقش تعدیل‌کنندگی سن، در رابطه بین هوش موفقیت بر رضایت زناشویی از رگرسیون سلسله مراتبی استفاده شد.

جدول ۴: بررسی نقش تعدیل‌گر سن در ارتباط هوش موفقیت و رضایت زناشویی

متغیر پیش‌بین	R	R ²	B	خطای استاندارد	Beta	t	سطح معناداری
هوش موفقیت	۰/۲۳	۰/۰۵	۰/۱۵	۰/۰۸	۰/۱۴	۱/۷۹	۰/۰۷
سن			-۰/۳۹	۰/۱۸	-۰/۱۷	-۲/۱۷	۰/۰۳
هوش موفقیت* سن	۰/۲۴	۰/۰۶	-۰/۰۱	۰/۰۰۹	-۰/۵۹	-۱/۰۷	۰/۲۸

همانطور که جدول ۴ نشان می‌دهد وارد کردن متغیر "مضروب هوش موفقیت و سن" تنها ۰/۰۱ به مجذور همبستگی اضافه کرده است و این مقدار معنادار نبوده است؛ بنابراین سن در ارتباط بین هوش موفقیت و رضایت زناشویی نقش تعدیل‌گر ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی نقش هوش موفقیت و همدلی عاطفی بر رضایت از زندگی زناشویی بود. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که هوش موفقیت نسبت به همدلی نقش پررنگ‌تری در پیش‌بینی رضایت زناشویی دارد و در رابطه بین آن‌ها سن نقش تعدیل‌گر ندارد. باتوجه به اینکه با افزایش سن، انواع هوش و سرعت پردازش بیشتر می‌شود (استرنبرگ و ریفکین، ۱۹۷۹) این فرض مطرح شد که سن احتمالاً در رابطه بین هوش

موفقیت با رضایت زناشویی نقش تعدیل گر داشته باشد اما نتایج نشان داد که این دو متغیر در هر سنی با یکدیگر رابطه دارند. همدلی عاطفی نیز اگرچه با نمره کل رضایت زناشویی رابطه نداشت اما با زیرمقیاس رضایت همبستگی مثبت و معناداری نشان داد. وجود رابطه بین همدلی عاطفی و رضایت زناشویی در تحقیقات متعدد دیگر نیز نشان داده شده است (برای مثال: جانگک^۱، ۲۰۱۹، چانگک^۲، ۲۰۱۴، گئور و بارادوج^۳، ۲۰۱۵، مکدونالد، اولسون، لایننگک، گودارد و مارشال^۴، ۲۰۱۸، ورهوفستاد^۵ و همکاران، ۲۰۱۶، کاظمی، ۱۳۹۶، کریمی، ۱۳۹۵، رضایی، ۱۳۹۳). اگرچه در این تحقیق رابطه آن، تنها با زیرمقیاس رضایت معنادار بود و با زیرمقیاس‌های دیگر و نمره کل رضایت همبستگی نداشت. این زیر مقیاس، رضایت و انطباق افراد با ۱۰ جنبه رابطه زناشویی شامل: موضوعات شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، روابط جنسی، ازدواج و فرزندان، اقوام و دوستان، نقش‌های مساوات‌طلبی و جهت‌گیری مذهبی را اندازه‌گیری می‌کند (یعقوبی و محمدزاده، ۱۳۹۵) و شامل گویه‌هایی است مثل: "احساس می‌کنم همسر مرا درک می‌کند"، "از چگونگی ابراز احساسات همسرم راضی هستم" و یا "از نحوه تقسیم مسئولیت‌ها در امور خانه راضی هستم"، به نظر می‌رسد همه این موارد مستلزم وجود همدلی است و معنادار بودن همبستگی همدلی با این زیرمقیاس که رضایت کلی افراد از جنبه‌های مختلف زندگی را نشان می‌دهد، قابل انتظار است.

رابطه هوش موفقیت و رضایت زناشویی در تحقیقات قبل کمتر مورد توجه قرار گرفته است. انگ و ون‌داین^۶ (۲۰۱۵) هوش موفقیت را چهارچوبی برای درک سازگاری فرهنگی معرفی می‌کنند. برای مثال وقتی فرد وارد کشوری با فرهنگ متفاوت می‌شود برای رفتارهای مختلف از جمله معاشرت کردن، غذا خوردن و حتی رد شدن از خیابان باید فرهنگ متفاوت آن جامعه را درک کرده و خود را با آن سازگار کند و این امر مستلزم انعطاف‌پذیری ذهنی است (استرنبرگ، ۲۰۰۴). یک فرد باهوش می‌تواند به راحتی بفهمد

1. Jung, S.W
2. Chung, M.S
3. Gaur, Bhardwaj
4. McDonald, J.E, Olson, J.R, Lanning, A.H, Goddard, H.W, Marshall, J.P
5. Verhofstadt, L
6. Ang, S and Van Dyne, L

که مهارت‌های لازم برای عملکرد سازگارانه در فرهنگ‌های مختلف، متفاوت است و او باید این مهارت‌ها را یاد بگیرد و به صورت عملی در زندگی روزمره خود به کار گیرد. کسی که این مسئله را درک نکند، فارغ از اینکه هوش بهر او چقدر بالاست، در سازگاری با فرهنگ‌ها و موقعیت‌های جدید با شکست مواجه می‌شود (انگ و ون‌داین، ۲۰۱۵). شاید بتوان این مفهوم را به تعاملات زندگی مشترک نیز تعمیم داد. وقتی دو نفر با فرهنگ و تربیت خانوادگی متفاوت کنار هم قرار می‌گیرند با موقعیت‌های جدید بسیاری مواجه خواهند شد که برای سازگار شدن با آن‌ها نیازمند هوش موفقیت هستند.

جنبه دیگری از هوش موفقیت که در تعاریف نظری آن آورده شده است بر این نکته تأکید دارد که افراد دارای هوش موفقیت می‌توانند نقاط قوت را تشخیص داده و به درستی و به جا از آن استفاده کنند ضمن این که نقاط ضعف خود را نیز به خوبی می‌شناسند و راه‌های تصحیح و جبران آن‌ها را پیدا می‌کنند (استرنبرگ، ۲۰۱۵)، واضح است که چنین توانمندی‌هایی می‌تواند در رویارویی با مسائل زندگی مشترک نیز مفید فایده واقع شود و شاید به همین دلیل در این پژوهش هوش موفقیت توانسته است رضایت زناشویی را پیش‌بینی کند.

افراد دارای هوش موفقیت با استفاده از توانایی‌های تحلیلی، خلاق و عملی با محیط‌های مختلف پیرامون خود سازگار می‌شوند (استرنبرگ، ۲۰۱۰). ضمن این که می‌توانند گزینه‌های مختلف را تجزیه و تحلیل کرده، مسئله را شناسایی کنند و راهکارهای حل آن را پیدا کنند (استرنبرگ، ۲۰۰۷). طبق این مفهوم، فرد باهوش فردی است که بداند در موقعیت‌های مختلف، چگونه هوش خود را به کار گیرد (استرنبرگ، ۲۰۰۹)؛ و این امر نه تنها بر اساس یافته‌های تحقیقات گذشته، می‌تواند باعث موفقیت فرد در یادگیری (استرنبرگ، ۲۰۱۹)، پیشرفت تحصیلی (لیرا، کاستیلا، ماروفو، ملگار، ۲۰۱۹) و صلاحیت‌های شغلی (استرنبرگ، ۲۰۰۲) شود، بلکه بر اساس نظر استرنبرگ (۲۰۰۲) می‌تواند در زندگی اجتماعی نیز نقش داشته باشد، همانطور که بر اساس یافته‌های این تحقیق، نشان داده شد که در موفقیت و احساس رضایت از زندگی مشترک نیز نقش دارد.

درواقع، زوجین برای دستیابی به رضایت در زندگی زناشویی می‌توانند با به کارگیری ابعاد هوش موفقیت و با شناخت نقاط قوت و ضعف خود و ارتقاء آن استفاده کنند و با تعادل میان توانایی‌های تحلیلی و خلاق و عملی انتخاب صحیح داشته باشند و با شرایط جدید که با ازدواج به وجود می‌آید و محیطی که زوجین شکل می‌دهند سازگار شوند. همچنین با آگاهی به نوع عملکرد در موقعیت‌های جدید با استفاده از هوش خود به بالابردن هرچه بیشتر کیفیت زندگی زناشویی خود کمک کنند. در برخورد با مسائل جدید از مهارت‌های تفکر و استدلال بهره برده و عملکرد بهتری داشته باشند. یادگیری هوش موفقیت باعث به وجود آمدن تفکر انتقادی می‌شود که در موقعیتی مانند ازدواج امکان تجزیه و تحلیل، مقایسه و ارزشیابی را بهبود می‌بخشد و منجر به انتخاب درست و زندگی با کیفیت و بادوام می‌شود.

این تحقیق نیز همانند هر تحقیق دیگری با محدودیت‌هایی مواجه بوده است، از جمله حجم کم نمونه و روش نمونه‌گیری در دسترس که تعمیم‌پذیری نتایج را محدود می‌سازد. همچنین، به دلیل جدید بودن مفهوم هوش موفقیت، ممکن است جذابیت آن بر نتایج تحقیق تأثیر گذاشته باشد. علاوه بر آن، مقطعی بودن پژوهش و استفاده از پرسشنامه‌های خودگزارشی برای سنجش سازه‌ها نیز از دیگر محدودیت‌های این تحقیق هستند. شاید در یک طرح طولی و با استفاده از روش‌های دیگر سنجش مثل مصاحبه و مشاهده رفتاری، بتوان روابط همبستگی و علی بین این متغیرها را بهتر بررسی نمود. پیشنهاد می‌شود که تحقیق روی نمونه‌های بزرگ‌تر و متنوع و با استفاده از روش‌های نمونه‌گیری دیگر نیز انجام گیرد. همچنین با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود جهت افزایش رضایت از زندگی زناشویی زوجین، در آموزش‌ها، به آن دسته از باورهای مؤلفه‌های هوش موفقیت که موجب افزایش رضایت از زندگی زناشویی افراد می‌شود، تأکید شود.

منابع

- بابایی، علی؛ مکتبی، غلامحسین؛ بهروزی، ناصر؛ و آتش افروز، عسکر. (۱۳۹۵). تأثیر هوش موفق بر تفکر انتقادی و تحمل ابهام دانشجویان. ویژه‌نامه سومین کنفرانس بین‌المللی، روان‌شناسی و علوم تربیتی، مهر و آبان، ۳۸۷-۳۸۰.
- بشارت، محمدعلی؛ خدابخش، محمدرضا؛ فراهانی، حجت‌اله؛ رضازاده، سیدمحمدرضا. (۱۳۹۰). نقش واسطه‌ای خودشیفتگی در رابطه بین همدمی و کیفیت روابط بین شخصی. روان‌شناسی کاربردی، ۵(۱)، ۲۳-۷.
- ثنایی، باقر؛ علاقبند، ستیلا؛ فلاحتی، مطهره؛ هومن، عباس. (۱۳۸۷). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات بعثت.
- رضایی، محبوبه. (۱۳۹۳). رابطه بین اعتماد زناشویی و همدمی خانواده با رضایت زناشویی دانشجویان متأهل دانشگاه علوم پزشکی شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- کاظمی، فرزاد (۱۳۹۶). بررسی مدل رابطه بین ذهن آگاهی و رضایت زناشویی با میانجی‌گری همدمی زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- کریمی وردنجانی، محمد (۱۳۹۵). ارزیابی مدل رابطه بین خانواده اصلی و رضایت زناشویی با میانجی‌گری تعهد زناشویی و همدمی زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- نادری، لیلا؛ مولوی، حسین؛ نوری، ابوالقاسم (۱۳۹۴). پیش‌بینی رضایت زناشویی زوجین شهر اصفهان براساس همدمی و بخشودن. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱۶ (۴)، ۷۵-۶۹.
- نگهبان سلامی، محمود؛ فرزاد، ولی‌اله؛ و صرامی، غلامرضا. (۱۳۹۲). بررسی ساختار عاملی، روایی و پایایی پرسشنامه هوش موفق. فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، ۵ (۱۵)، ۱-۱۵.
- یعقوبی، ابوالقاسم؛ محمدزاده، سروه. (۱۳۹۵). اثر آموزش دیدگاه‌گیری اجتماعی بر سبک‌های حل تعارض زوجین. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۷ (۲۸)، ۱۰۳-۱۳۱.

یوسفی، ناصر؛ عزیزی، آرمان. (۱۳۹۷). تبیین مدلی برای پیش‌بینی تعارض زناشویی براساس تمایز یافتگی و تیپهای شخص. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۹ (۳۵)، ۵۷-۷۸.

- Aggarwal, S., D., Kataria, & Prasad, S. (2017). *A Comparative study of quality of life and marital satisfaction in patients with depression and their spouses*. Asian Journal of Psychiatry, 30, 65-70.
- Ang, S., & Van Dyne, L. (2015). *Handbook of cultural intelligence: Theory, measurement, and applications*. London: Routledge.
- Baczynska, A., & Thornton, G. C. (2017). *Relationships of analytical, practical, and emotional intelligence with behavioral dimensions of performance of top managers*. International Journal of Selection and Assessment, 25(2), 171-182.
- Chan, D. W. (2008). *Teacher self efficacy among Chinese secondary school teachers in Hong Kong*. Experimental Educational Psychology, 28, 735-746.
- Chung, M. S. (2014). *Pathways between attachment and marital satisfaction: The mediating roles of rumination, empathy, and forgiveness*. Personality and Individual Differences, 70, 246-251.
- Duarte, J., Pinto-Gouveia, J., & Cruz, B. (2016). *Relationships between nurses' empathy, self-compassion and dimensions of professional quality of life: A cross-sectional study*. International Journal of Nurs Studies. 60, 1-11.
- Decety, J., Jackson, P. L. (2004). *The functional architecture of human empathy*. Behavioral and cognitive neuroscience reviews, 3(2), 71-100.
- Edalati, A., Redzuan, M. (2010). *Perception of women towards family values and their marital satisfaction*. Journal of American Science, 6(4), 132-37.
- Huber, C. H., Navarro, R. L., Womble, M. W. and Mumme, f. L. (2010). *Family resilience and midlife marital satisfaction*. The family journal: counseling and therapy for couples and families, 33, 347-456.
- Jung, S.Y. (2019). *The Relationship between the Covert Narcissism and Marital Satisfaction of Korean-Americans: The Mediating Effects of Forgiveness and Empathy*. The Journal of the Korea Contents Association, 19(8), 412-426.
- Konrath, S., Meier, B. P., Bushman, B. J. (2018). *Development and validation of the Single Item Trait Empathy Scale (SITES)*. Journal of research in personality, 73, 11-22.
- Kusche, C., A., Greenberg, M., T. (2011). *Paths in your classroom, Promoting emotional Literacy and alleviating emotional distress*. In Cohen((Ed))social-emotional learning and the elementary school child a guide for educators. (Pp140-161). New York: teacher college press.

- Lira, L. A. N., Castillo, P. F. N., Marrufo, H. R. M., & Melgar, A. (2019). *Mental Maps as a Strategy in the Development of Successful Intelligence in High School Students*. *Propósitos y Representaciones*, 7 (1), 59-82.
- Mandelman, S. D., Barbot, B., & Grigorenko, E. L. (2015). *Predicting academic performance and trajectories from a measure of successful intelligence*. *Learning and Individual Differences*, 51, 387-393.
- Madaniana, L., Shafeq, S. M. (2013). *Marital satisfaction and demographic traits in an emigrant sample: Rash Analysis*. *Social and Behavioral Sciences*, 12 (4), 107-1018.
- Mirgain, S. A., & Cordova, J. V. (2007). *Emotion skills and marital health: The association between observed and self-reported emotion skills, Intimacy, and marital satisfaction*. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 26 (9), 983-1009.
- McDonald, J. E., Olson, J. R., Lanning, A. H., Goddard, H. W., & Marshall, J. P. (2018). *Effects of religiosity, forgiveness, and spousal empathy on marital adjustment*. *Marriage & Family Review*, 54(4), 393-416.
- Ofofwe, C., Ofili, A., Ojetu, O., & Okosun, F. (2013). *Marital satisfaction, job satisfaction and psychological health of secondary school teachers*. *Journal of Health*, 5 (4), 663-668.
- Sevinc, M. & Garip, E. (2010). *A study of parent's child raising styles and marital harmony*. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 2 (2) 1648-53.
- Stemler, S. E., Grigorenko, E. L., Jarvin, L., & Sternberg, R. J. (2006). *Using the theory of successful intelligence as a basis for augmenting AP exams in psychology and statistics*. *Contemporary Educational Psychology*, 31, 344-376.
- Stemler, S., Sternberg, R. J., Grigorenko, E. L., Jarvin, L., & Sharpes, D. K. (2009). *Using the theory of successful intelligence as a framework for developing assessments in AP Physics*. *Contemporary Educational Psychology*, 34, 195-209.
- Sternberg, R. J. (2003). *A broad view of intelligence: The theory of successful intelligence*. *Counseling Psychology Journal: Practice and Research*, 55(3), 139-154.
- Sternberg, R. J. (2003). *Wisdom, Intelligence and Creativity Synthesized*. New York: Cambridge University Press.
- Sternberg, R. J. (2009). *Reflections on ethical leadership*. In D. Ambrose & T. L. Cross (Eds.), *Morality, ethics and gifted minds*. New York: Springer.
- Sternberg, R. J. (2010). *College admissions for the 21 st century*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Sternberg, R. J. (2015). *Successful intelligence: A model for testing intelligence beyond IQ tests*. *European Journal of Education and Psychology*, 8(2), 76-84.
- Sternberg, R. J. (2018). *21 ideas: A 42-year search to understand the nature of giftedness*. *Roeper Review*, 40(1), 7-20.

- Sternberg, R. J. (2019). *Teaching and assessing gifted students in STEM disciplines through the augmented theory of successful intelligence*. High Ability Studies, 30(1-2), 103-126.
- Sternberg, R.J. & Grigorenko, E. L. (2003). *Teaching for Successful Intelligence: Principles, Procedures, and Practices*. Journal for the Education of the Gifted, 27(3), 207-228.
- Sternberg, R. J., & Grigorenko, E. L. (2007). *Teaching for successful intelligence (2nd ed.)*. Thousand Oaks, CA: Corwin.
- Tomova, L., Dawans, B., Heinrichs, M., Silani, G., Lamm, C. (2014). *Is stress affecting our ability to tune into others? Evidence for gender differences in effects of stress on self-other distinction*. Psych neuroendocrinology, 43, 95 -104.
- Verhofstadt, L., Devoldre, I., Buysse, A., Stevens, M., Hinnekens, C., Ickes, W., & Davis, M. (2016). *The role of cognitive and affective empathy in spouses' support interactions: An observational study*. PloS one, 11(2).

